

نقش خاندان برمکی و فضل بن ربیع در رونق هنر موسیقی دوره عباسی

زیور احمدزاده^۱

طاهره عظیم زاده طهرانی^۲

محمد باغستانی کوزه گر^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

چکیده

گرایش به انواع هنرها در میان خلفای عباسی، وزرا و طبقات مختلف جامعه با کم شدن و اتمام فتوحات و بهبود قدرت و ثروت جامعه اسلامی، افزایش یافت. خاندان برمکیان با تکیه بر میراث فرهنگی و تمدنی خویش سهم عمده‌ای در رشد و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی داشتند. این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کهن تاریخی، نقش خاندان برمکی و فضل بن ربیع را در هنر موسیقی مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. نتایج به دست آمده نشان داد که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در پیشرفت هنر موسیقی در عصر عباسی وجود وزرایی چون خاندان برمکیان و فضل بن ربیع در دربار است برمکیان به پشتوانه فرهنگ و تمدن غنی خود تلاش چشمگیری در حمایت از موسیقیدانان داشتند. آنان از نظر اقتصادی و معنوی از هنرمندانی چون ابراهیم موصلی و شاگردانش، همینطور از کنیزان موسیقیدان و خواننده حمایت میکردند و موجب خلق آثار موسیقایی، اختراع و معرفی چندین مقام جدید و کتابهایی در زمینه موسیقی گردیدند.

کلید واژه‌ها: خاندان برمکی، فضل بن ربیع، موسیقی، خاندان موصل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران chem_ahmadzadeh@yahoo.com
^۲ دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. نویسنده مسئول ta_azim@yahoo.com
^۳ استادیار (مدعو) گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. mo_baghestani@yahoo.com

مقدمه

بر اساس شواهد تاریخی، اعراب قبل از ظهور اسلام بهره‌چندانی از موسیقی نداشتند؛ اما با ورود اسلام و آغاز فتوحات و در نتیجه، گسترش مرزهای جغرافیایی و تبادلات فرهنگی و اجتماعی میان مسلمانان و سرزمین‌های مغلوب، علاوه بر تغییر نظام سیاسی و اجتماعی اعراب مسلمان، فرهنگ و تمدن آنان نیز دست‌خوش تغییرات فراوان شد. از مهم‌ترین تغییرات و دستاوردهای رویارویی مسلمانان با فرهنگ ملل مفتوحه به‌ویژه ایران، شکل‌گیری هنرهای مختلف، از جمله هنر موسیقی بود. اعراب قبل از آمیزش با فرهنگ ایران باستان، موسیقی بسیار ساده‌ای داشتند و آهنگ‌های موزون آنان از حُدی و نَصَب^۱ فراتر نمی‌رفت و ساز و آلات موسیقی‌شان، بوق شاخی، دایره و دف‌های ساده بود. به نظر می‌رسد که نضرین حارث، اولین عرب نژادی است که در سفرهای متعدد خود به ایران، موسیقی این خطه را فراگرفت و پس از بازگشت به مکه عود نوازی و ساختن آهنگ را به دیگران نیز آموزش داد. پس از فتوحات اسلامی و رویارویی اعراب مسلمان با فرهنگ سرزمین‌های مغلوب، غنا و موسیقی رایج در این سرزمین‌ها به ویژه ایران به مذاق خلفای اسلامی خوش نشست و به آن علاقه‌مند شدند. قبل از روی کار آمدن عباسیان، افرادی مانند سعید بن مَسَجَح^۲ (م سال اول ق) و ابن سُرَیج^۳ (۹۸-۱۹ ق)، عود نوازی و ساختن آهنگ را از ایرانیان آموخته، و اعراب تا اندازه‌ای، موسیقی ایرانی را به لحاظ شکل، ساختار و محتوا اقتباس کرده بودند، اما این وام‌گیری در عصر طلایی عباسی (طوقوش، ۱۳۸۳: ۲۷) به نقطه اوج خود رسید. ایرانیان که در اصل، بنیان‌گذاران دولت عباسی بودند، در این دوره به مقام‌های عالی دولتی و حتی وزارت رسیدند؛ قدرت و نفوذ این وزیران ایرانی و حمایت همه‌جانبه آن‌ها از گسترش فرهنگ ایرانی موجب شد تا شعر و موسیقی در این عصر رشد چشمگیری را شاهد باشد. حمایت مذکور از زمان منصور عباسی با واگذاری مسئولیت‌های دولتی به خاندان برمکی آغاز شد. در پژوهش حاضر تلاش شده است تأثیر و نقش وزرای عصر هارون الرشید: خاندان برمکیان و فضل بن ربیع در هنر موسیقی را مورد بررسی قرار دهد.

خاندان برمکیان با تکیه بر میراث فرهنگی و تمدنی خویش سهم عمده‌ای در رشد و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی داشتند. یکی از حوزه‌هایی که به مدد و حمایت آنان به شکوفایی رسید هنر موسیقی است که هم از نظر عملی و هم در جنبه نظری در دوره مذکور، رشد قابل توجهی داشته است. پس از

^۱ - حدی، آوازی است که شترداران برای وادار کردن شتر به رفتن آن را می‌خواندند؛ نصب، نوعی رجز بود که در جنگ‌ها (هنگام مرثیه و سوگواری) خوانده می‌شد. نصب از حدی گرفته شده ولی از آن کامل‌تر و تندتر است.

^۲ - ابن مسجح آوازهای ایرانی را از معماران و بنایان ایرانی خانه کعبه فراگرفت و در بین اعراب منتشر کرد. وی برای آموختن موسیقی ایرانی و رومی به این سرزمینها سفر کرده است. (اصفهانی، ۱۹۶۳م، ۳/ ۲۷۶).

^۳ - وی از شاگردان ابن مسجح بوده و در بریط نوازی و نواختن عود مهارت زیادی داشته است. (همان، ۱/ ۳۲۰).

آن فضل بن ربیع^۱ وزیر دیگر هارون الرشید موجب رونق و شکوفایی هنر موسیقی گردید. در باب پیشینه‌ی پژوهش مقالاتی چند در این زمینه نگاشته شده است. در حوزه موسیقی عصر عباسی، دو مقاله با عناوین "موسیقی در دوره خلفای عصر اول عباسی" (۱۳۹۳) و "عوامل رونق و شکوفایی موسیقی در عصر عباسی از آغاز تا تسلط آل بویه" (۱۳۹۴) تألیف سید احمد خضری و حلیمه جعفر پور موجود است؛ که مقاله اول به رویکرد خلفای عباسی به موسیقی اختصاص دارد؛ و در مقاله دوم به عوامل رونق و تکامل هنر موسیقی در عصر عباسی، پرداخته شده است. پژوهش حاضر به نقش، برمکیان و فضل بن ربیع وزیران هارون الرشید در موسیقی می پردازد.

۱. رویکرد به موسیقی در عصر عباسی پیش از قدرت یافتن برمکیان

سفاح (۱۳۲-۱۳۶ ق) اولین خلیفه عباسی، از علاقه‌مندان به موسیقی بود و در بخشیدن انعام و صله به مغنیان دست باز و گشاده‌ای داشت (جاحظ، ۱۹۱۴: ۳۳). در دوره او وزیران کاردان ایرانی در ساختار حاکمیت حضور داشتند، اما به دلایل سیاسی و در زمانی بسیار کوتاه دستور قتل آنان را صادر کرد، در نتیجه، هیچ‌یک از آنان فرصتی برای پرداختن به هنر و موسیقی به دست نیاوردند. در دوره خلافت منصور (۱۳۶-۱۵۸ ق)، روایت کوبیدن تنبور بر سر کینیزک نوازنده آن و بیرون انداختنش از قصر توسط او (طبری، ۱۳۸۷: ۸ / ۶۲-۶۴؛ ابن العبری، ۱۹۹۲: ۱۲۳) در ظاهر حکایت از مخالفت خلیفه با موسیقی دارد، گرچه ظاهراً وی به موسیقی علاقه‌مند بوده اما بنا بر مصلحت شرعی و سیاسی، خواسته قلبی خود را مخفی می‌کرده است، ذکر شده هرگاه منصور آهنگی گوش می‌داد که او را طربناک می‌ساخت به اتاق زن‌ها می‌رفت و از آنجا کف می‌زد تا این عمل او از دیگران مخفی بماند (جاحظ، ۱۹۱۴: ۳۴). باوجود این منصور هرگز به گروه موسیقیدانان چیزی نبخشید (طبری، ۱۳۸۷: ۸ / ۵۷) و درواقع برای نوازندگان ارزشی قائل نبود (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۵ / ۲۸۵)؛ بنابراین تظاهر منصور به رعایت شریعت اسلامی و دوری وی از خنیاگران و موسیقیدانان بر جهت‌گیری وزیرانش هم تأثیر داشته است، هیچ‌یک از آنان حمایت خاصی از موسیقیدانان نداشته‌اند. برخلاف منصور، مهدی (۱۵۸-۱۶۹ ق) به غنا و موسیقی علاقه‌مند بود و این امر زمینه‌ی حضور این قشر به دربار را فراهم آورد. ابراهیم موصلی برای اولین بار در این دوره با معرفی و حمایت فضل بن ربیع (ابن خلکان، ۱۹۶۸: ۲ / ۴۲) وارد درگاه مهدی

^۱ - ابوالعباس فضل بن ربیع از وزیران عرب تبار حکومت عباسی بود (ابن طقطقی، ۱۳۵۰، ۲۷۸). ابن طقطقی او را حاجب «منصور، مهدی، هادی و هارون» می‌داند و گردیزی نیز فضل بن ربیع را به عنوان حاجب مهدی عباسی نام برده است (گردیزی، ۱۳۶۳، ۱۳۵). با سرنگونی برامکه در سال ۱۸۷ ق فضل بن ربیع به وزارت رسید و تا مرگ هارون در سال ۱۹۳ ق در این مقام باقی ماند (ابن طقطقی، ۱۹۹۷، ۲۰۹).

عباسی شد. به گفتهٔ ابراهیم در آن زمان فقط سیّاط^۱ و حکم الوادی^۲ به سفارش ربیع بن یونس، در دربار خلیفه رفت و آمد داشتند و از مزایای آن بهره می‌بردند. بشار بن برد از شعرای معروف قرن دوم هجری، در یکی از هجوهای خود علاقهٔ بیش از حد مهدی و وزیرش یعقوب بن داوود را به غنا این-چنین توصیف کرده است (ابن اثیر، بی تا: ۷۰/۶):

بنی امیه هبوا طال نومکم ان خلیفه یعقوب بن داوود
ضاعت خلافتکم یا قوم فالتمسوا خلیفه الله بین النای^۳ و العود

"یعنی ای قوم باید که خلیفه خدا را بین رق(نوعی دف در موسیقی عربی) ویا نواختن نای وعود(بریط) جستجو کرد."

ابراهیم ذکوان حرانی وزیر هادی (۱۶۹-۱۷۰ ق) دوستدار خنیاگران بود و ابراهیم موصلی از عنایات وی بی‌بهره نبوده است. این وزیر که تأثیری زیادی در تصمیمات خلیفه هادی داشت خلیفه را هم به موسیقی علاقه‌مند کرد به طوری که اسحاق موصلی نقل کرده: اگر هادی عباسی، بیشتر زنده می‌ماند ما دیوارهای خانه‌هایمان را هم از طلا و نقره می‌ساختیم (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۱۵/۱۶۲). این سخن نشان از عنایات فراوان خلیفه و وزیرش در حق موسیقیدانان و خاندان موصلی دارد.

۲. خاندان برمکی و توجه به موسیقی و موسیقی‌دانان

توجه به هنر موسیقی در دورهٔ هارون (۱۷۰-۱۹۳ ق) با ورود نوادگان برمک به دربار، در کسوت وزارت به اوج خود رسید (سجادی، ۱۳۸۵: ۲۱؛ کانپوری، ۱۳۴۸: ۴۲). این خاندان ایرانی تبار دانش-دوست و هنرپرور، علاقهٔ زیادی به احیای فرهنگ و تمدن ایران زمین از جمله موسیقی ایرانی، در دربار خلافت اسلامی داشتند و در این مورد از هیچ تلاشی مضایقه نکردند، هارون که به گفتهٔ فارمر خلقیاتش با احیای فرهنگ و تمدن ایرانی هماهنگ بود (فارمر، ۱۳۶۸: ۱۸۲)، درجات موسیقی‌دانان را که اردشیر بابکان نهاده بود، دوباره برقرار و روش پادشاهان ساسانی را در این زمینه برگزید (سیوطی، ۱۹۵۹: ۲۹۵). به اذعان برخی از نویسندگان حال و هوا و شرایط محیطی هنر عرب در دورهٔ

^۱ - وی یکی از تواناترین خوانندگان و نوازندگان عود و از پرکارترین آهنگسازان زمانهٔ خویش بود. او در زمان خلافت المهدی در بغداد ساکن شد و در دربار به موفقیت کامل رسید. از شاگردان برجسته او ابراهیم موصلی و ابن جامی می‌باشند. سیاط در سن جوانی در سال ۱۶۳ ق از دنیا رفت. (اصفهانی، ۱۹۶۳ م، ۹/۵).

^۲ - حکم نخستین موسیقیدان بزرگ دوره اسلامی است. وی متولد وادالقرآ و ایرانی تبار بود. حکم الوادی همه عمر خویش را در دربار خلفای عباسی از منصور تا هارون الرشید گذراند و از خوانندگان محبوب خلفا بود. وی از بزرگترین کارشناسان ریتم هزج به شمار می‌رفت. وی در اواسط دوران خلافت هارون الرشید و تقریباً در سن ۸۱ سالگی در گذشت. (همان، ۶۴-۶۸).

^۳ - به جای النای، الرق هم گفته شده که به معنی نوعی دف عربی است.

هارون ایرانی است (رابرتسون، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۳۳؛ حافظ زاده، ۱۳۸۱: ۲۱۱). ظهور اعجوبه موسیقی، ابراهیم موصلی کمک بسیاری به این امر مهم کرد.

۲-۱. حمایت‌های یحیی، فضل و جعفر برمکی از ابراهیم موصلی

ابراهیم بن ماهان یا میمون معروف به الموصلی در سال ۱۲۰ ق در کوفه در خانواده‌ای بزرگ و نجیب ایرانی متولد شد؛ سرپرستی ابراهیم به خانواده‌ای ثروتمند عربی به نام بنوتمیم واگذار شد. او سال‌ها بعد رهسپار موصل شد و نخستین درس‌های موسیقی خود را در آنجا فراگرفت. پس از مدتی به ری کوچ کرد و به تحصیل موسیقی ایرانی و عربی پرداخت. در ری با یکی از نمایندگان خلیفه منصور، آشنا شد و به تشویق او برای ادامه فراگیری موسیقی به بصره سفر کرد و از آنجا به بغداد رفت و تحصیلات تازه‌ای را زیر نظر استاد بزرگ موسیقی، سیاط گذراند و در آهنگسازی، نوازندگی و خوانندگی از سرآمدان روزگار خود شد و به دربار خلفای عباسی راه یافت. خلق بیش از نصد اثر موسیقایی و اختراع و معرفی چندین مقام جدید در موسیقی را به او نسبت می‌دهند (ابن خلکان، ۱۹۶۸: ۱/ ۲۱). وی در سال ۱۸۸ در بغداد از دنیا رفت. ابراهیم موصلی مورد حمایت هر سه تن از بزرگان خاندان برمکی یحیی (د ۱۹۰ ق)، فضل (۱۴۸-۱۹۳ ق) و جعفر (د ۱۸۸ ق) قرار داشت. وی از دست پروردگان یحیی برمکی بود و در پی حمایت‌های برمکیان آزادانه به قصر رفت و آمد می‌کرد و خواسته‌های مادی و معنوی خود را با خلیفه، در میان می‌گذاشت. برمکیان خواسته‌های او را اجابت می‌کرد تا جایی که ابراهیم گاهی از محبت آنان به نفع خود سود می‌برد. پول دوستی و خساست از ویژگی‌های بارز شخصیتی او بود با این اوصاف، باز هم برمکیان با او مدارا می‌کردند.

در منابع تاریخی ذکر شده ابراهیم موصلی قصد خرید مزرعه‌ای را داشت که قیمت آن معادل صد هزار درهم بود اما به دلیل خست حاضر نبود چنین مبلغی را بپردازد، از طرفی بسیار تمایل داشت آن مزرعه را خریداری کند، او که از بخشش بی‌حد و حصر یحیی برمکی، آگاهی داشت آهنگی ساخته و آن را به شاگرد خود مخارق آموخت و با نقشه قبلی او را به خانه یحیی فرستاد و سفارش کرد قبل از سایر مراجعین به دیدن یحیی برود و پس از شرح داستان مزرعه، ذکر کند که استادش ابراهیم، آهنگ تازه‌ای ساخته و مایل است ابتدا آن را برای وزیر خلیفه بنوازد. یحیی پس از شنیدن این سخنان، ده هزار درهم، انعام به مخارق داد؛ و یک‌صد هزار درهم، برای ابراهیم فرستاد تا بتواند مزرعه را خریداری کند. روز بعد، مخارق استاد خود را سخت غمگین دید و پرسید: مگر صد هزار درهم را نگرفته است؟ ابراهیم جواب داد: چرا اما نمی‌توانم از این پول دل برکنم و به ناچار آهنگ دیگری برای فضل بن یحیی ساختم. فضل، هر چند خست طبع ابراهیم را مورد ملامت قرارداد، ولی دو برابر وجهی که پدرش یحیی به او شاگردش داده بود به آن‌ها عطا کرد. ابراهیم باز هم نتوانست این عطا یا چشم‌پوشی کند و برای سومین بار آهنگی برای جعفر بن یحیی ساخت و صله‌ای معادل سه برابر وجه

اول به او اعطا شد. ولی ابراهیم دل ازین وجوه نقد بر نمی‌کند. سرانجام یحیی، مزرعه را خرید و به ابراهیم هبه کرد. (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۵/ ۱۷-۱۸). یحیی برمکی و فضل بن ربیع در محله شماسیه همسایه بودند و هر دو از ابراهیم موصلی حمایت می‌کردند (همان، ۱۹/ ۲۳۶). این شاعر و نوازنده زبردست و خواننده خوش قریحه اکثر اوقات در معیت برمکیان بود و از بذل و بخشش‌های بی‌حد و حصر آنان نسبت به موسیقیدانان آگاهی داشت، پس هر فرصتی را برای گرفتن انعام غنیمت می‌شمرد.

فضل بن یحیی هم به مانند پدرش از حامیان موسیقی بود. ابراهیم ذکر می‌کند آهنگی ساخته و برای فضل بن یحیی اجرا کردم. پس از شنیدن اجرا، دستور داد هزار دینار به من بدهند و چهارپایی را که سوار بر آن بود با زین و لگام به من بخشید. به او گفتم: «خدا تو را جزای خیر بدهد که عجب سروری هستی! همانا تو جان‌های رمیده را به جای خود می‌آوری و هواهای بیمار را مدحت می‌بخشی!» فضل دوباره دستور داد هزار دینار دیگر به من انعام بدهند. (همان، ۱۷/ ۱۳۲). فضل بن یحیی هر زمانی را برای حمایت مالی و معنوی از موسیقیدانان مغتنم می‌شمرد. ابراهیم موصلی نیز از این موقعیتها استفاده می‌کرد. نقل می‌کند: روزی همراه فضل در راهی، عباس بن احنف را دیدیم، او به احترام فضل از اسب پیاده شد. فضل به خاطر موضوعی از عباس ناراحت بود. عباس بن احنف برای دلجویی از فضل بی‌تی را به او تقدیم کرد:

بالله یا غضبان الل رضیت اذکر للعهد ام قد نسیت؟

« به خدا سوگند ، ای عصبانی ، چه کسی را راضی کردی ، عهد را به یاد داری ، یا فراموش کرده ای؟»

همین بیت باعث بخشیده شدن عباس بن احنف شد. من به شعر عباس، بیت دیگری اضافه کردم به این مضمون:

لو كنت ابغی غی ما تشتهی دعوت ان تبلی کما بلیتُ

«اگر غیر از آنچه تو میل داری بخواهم دعا کنم کهن شود چنانکه من فرسوده گشتم.»

آهنگی برای این ابیات ساخته نزد فضل رفتم و آن را خواندم. دستور داد دو هزار دینار به من بدهند، درحالی‌که می‌خندید. علت خنده‌اش را پرسیدم، جواب داد: «ماجرای آواز قبلیت را به یاد آوردم که ستور و زین و لگام نیز با آن جایزه همراه بود. پس من برخاستم و دستش را بوسیدم. دستور داد دو هزار دینار دیگر برای من آوردند، آن‌ها را به من اعطا کرد و ادامه داد: «آن دفعه جایزه را با کلام، شکرگزاری کردی که من بر آن افزودم و این دفعه با عمل ادای سپاس نمودی که افزونی جایزه

واجب ساخت. اگر در حال حاضر در مضیقه نبودم آن را دو برابر می‌کردم اما وقت باقی است و فرصت‌های دیگری نیز پیش خواهد آمد.» (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۱۷/۱۳۲). ابراهیم، بیشتر دارایی و ثروت خود را مدیون فضل بن یحیی و حمایت‌های مالی او بود. وی هر چیزی از فضل تقاضا می‌کرد بدون درنگ اجابت می‌شد. هنگامی که هارون‌الرشید برای مدتی حمایت‌های مالی خود را از ابراهیم برداشته بود، وی از فضل بن یحیی، تقاضای مقداری پول کرد. فضل از این موضوع بسیار ناراحت شد که در آن زمان پولی که درشان این موسیقیدان باشد، در اختیار نداشت. باین‌حال او را دست خالی از قصرش برنگرداند و چاره کار این‌گونه بیان کرد: فرستاده حاکم یمن نزد من آمده که حاجتش را برآورم و پنجاههزار دینار فرستاده تا هرچه ما خواستیم برایمان بخرند. من از آن‌ها تقاضا می‌کنم کنیز تو «ضیاء» را برای من بخرند. تو آن را کمتر از پنجاههزار دینار به آن‌ها نفروش تا به این ترتیب پول خوبی نصیب تو شود. ابراهیم نقل کرده است: «صبح روز بعد فرستاده حاکم یمن همراه دوستی نزد من آمد و پس از گفت‌ووشنود طولانی کنیزک را به مبلغ سی هزار درهم به او فروختم. فضل مرا را ملامت کرد و دختر جوان را برگرداند و گفت یک‌بار دیگر او را از حاکم بیزناس به‌عنوان هدیه طلب می‌کنم، ولی این بار باید او را به پنجاههزار دینار بفروشی. این نوبت هم من او را به مبلغ سی هزار درهم فروختم. برای سومین بار فضل، کنیز را از حاکم خراسان خواست و من چهل هزار دینار کنیز را به او فروختم.» پس از آنکه فضل، با این ترفند توانست حاجت مالی موصلی را برآورده کند، کنیز را به او پس داد. ابراهیم او را پس گرفت؛ اما به خاطر خوش‌یمنی کنیز را آزاد و پس از مدتی با او ازدواج کرد. (نخجوانی، ۱۳۴۴: ۱۴۹).

جعفر بن یحیی برمکی، یکی دیگر از خاندان برمکی نیز فریفته شعر و موسیقی بود. بنا بر گفته اسحاق موصلی از موسیقیدانان معروف دوره عباسیان، جعفر شخصاً خود از موسیقیدان زبر دست بود و از ابراهیم موصلی و رقیب او ابن‌جامی که هر دو از مشهورترین نوازندگان آن دوره بودند حمایت می‌کرد. (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۷/۱۲). در آغاز خلافت هارون‌الرشید، ابراهیم موصلی به دلیل وفاداری‌اش به خلیفه قبل‌الهدی از فعالیت در دربار هارون خودداری کرد. این امر سبب شد هارون او را در گودالی زندانی کند. وساطت جعفر که از مقربان درگاه هارون بود، باعث خلاصی یافتن ابراهیم از زندان و ادامه کارش در دربار عباسیان شد. (همان، ۱۲/۱۱۰). هارون‌الرشید او را بخشید و اعلام کرد بعد از این، ابراهیم مجاز است فقط در مجالس خلیفه، مجلس بزم داشته باشد و او را از تغنی در محضر و مجالس دیگران منع کرد، ولی بنا بر خواهش جعفر، از این دستور نیز صرف نظر کرد. بعدها ابراهیم، محبوب خلیفه هارون‌الرشید نیز واقع شد به طوری که در تمام مدتی که در حال احتضار بود هارون‌الرشید بالین او را ترک نکرد و نماز میّت او را مأمون شخصاً برگزار کرد.

در منابع تاریخی چنین آمده است که روزی ابراهیم همراه هارون و جعفر به حیره رهسپار شده بودند. بعد از صرف ناهار، خلیفه مشغول استراحت شد. ابراهیم فرصت را غنیمت شمرد و در اطراف به گردش پرداخت. در حین پیاده روی، باغ زیبایی را دید تماشاکنان وارد باغ شد و متوجه شد باغ فروشی است. ابراهیم اشعاری در وصف این باغ ساخت و در حضور جعفر و خلیفه آن را خواند. خلیفه به عنوان پاداش، مبلغی (چهارده هزار دینار) را که برای خرید این باغ لازم بود، پرداخت کرد؛ و جعفر، برای پاداش، پا را از خلیفه هم فراتر گذاشت و پنجاه هزار دینار بر مبلغی که خلیفه داده بود، افزود. (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۷/ ۱۱). ابراهیم موصلی، به لطف بذل و بخشش برمکیان در ثروت و شکوه بی‌مانندی غرق شده بود، اما این ثروت فقط از مقرری سی هزار سکه نقره ماهیانه از دربار نبود بلکه عواید سرشار دیگری هم داشت. علاوه بر صله‌های سخاوتمندانه وزرا و اشراف، از زمین‌های خود درآمد هنگفتی به دست می‌آورد. وی توانست با کمک برمکیان مدرسه موسیقی ایجاد کند، گفته شده مدرسه موسیقی‌اش بیست و چهار میلیون سکه نقره برایش به بار آورده بود. خانه مسکونی او در بغداد به ضرب‌المثل تبدیل شده بود. از شخصی روایت شده: «من هرگز خانه‌ای جادارتر و باشکوه‌تر از منزل موصلی ندیده‌ام.» (ابن خلکان، ۱۹۶۸: ۱/ ۲۱؛ ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۳/ ۱۸۸).

۲-۲. پرورش کنیزان موسیقی دان توسط خاندان برمکی

خاندان برمکی بسیاری از کنیزان خریداری شده خود را آموزش نوازندگی و موسیقی می‌دادند. دنانیر از همین کنیزکان بود (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۱۶/ ۱۳۷) که یحیی او را خریداری کرد و تعلیم و تربیت او را بر عهده گرفت. وی نزد فلیح^۱، اسحاق و ابن جامع خوانندگی و موسیقی را آموخت. در سایه حمایت یحیی پس از مدتی، آوازه‌خوان و موسیقیدان ماهر شد و شهرتی بسیار یافت. یحیی کنیز را آزاد کرد ولی همچنان او را مورد لطف و احسان خویش قرار می‌داد. بنا بر روایت اصفهانی، دنانیر دچار مرض جوع شده بود و نمی‌توانست ساعتی بی خوردن غذا بگذراند و به این جهت ماه رمضان را روزه نمی‌گرفت. یحیی برمکی، هر سال در ابتدای ماه رمضان یک هزار دینار به او اعطا می‌کرد (همان، ۱۳۸). هارون الرشید نسبت به دنانیر دل‌بستگی خاصی داشت آن‌چنان‌که این امر سبب حسادت همسرش، زبیده شده بود. وی مدتی پس از برانداختن برمکیان تلاش کرد دنانیر را به خود نزدیک کند، پس از درگذشت یحیی مجلس بزمی ترتیب داده و دنانیر را احضار و از او تمنای خواندن کرد، با این بیان که: "برمکیان به حسن اطمینان منعم خویش خیانت ورزیدند و از این حیث درخور مجازات شدیدی

^۱ - فلیح بن ابی العوراء از بومیان مکه و از موالی بنی مخزوم و از شاگردان یحیی مکی، خواننده طراز اول دربار المهدی عباسی بود. وی تنها خواننده ای بود که بدون پرده در برابر این خلیفه اجرا داشت. فلیح از جمله کسانی است که به همراه ابن جامع و ابراهیم موصلی کتاب (صد آواز) را برای هارون تألیف کردند (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۴/ ۹۸-۱۰۱).

بودند و دانایر باید آن‌ها را فراموش کند و به این فکر باشد که دیگران با اشتیاق، صلات و پادشاهی به او خواهند داد که به اضعاف بیش از آن خواهد بود که از ارباب سابق خود دریافت می‌کرده است". دانایر در جواب خلیفه گفت: "او هرچه دارد از برکت برمکیان است، حتی افتخار تقرب به دربار خلیفه را نیز مدیون به آن‌هاست و پس از انقراض آن مردم نیک، دیگر آواز نخواهم خواند". خلیفه که از جواب او خشمگین شده بود، به غلام خود مسرور دستور داد آن قدر دانایر را شکنجه دهد تا زمانی که شروع به خواندن کند. بالاخره دانایر عود را برداشت و شروع به خواندن آهنگی غمگین کرد، به این ترتیب، خلیفه ناچار شد دانایر را از خدمت خود مرخص کند. این بانوی هنرمند، چند سال پس از سقوط برمکیان از دنیا رفت. گفته شده وی کتابی در موسیقی به نام "مجرد الاغانی" (آوازهای برگزیده) نیز تألیف کرده است. (نویری، ۱۹۷۵م، ۹۰/۵).

جعفر بن یحیی همانند دیگر برمکیان، کنیزکان موسیقی دان را تحت سرپرستی و حمایت خود قرار می‌داد. بنا بر روایت اصفهانی آوازه خوان معروف، غریب دختر جعفر برمکی (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۱۷/۱۷۸؛ بووا، ۱۳۵۹: ۱۰۱) از کنیزی بنام فاطمه بود که جعفر به او علاقه‌مند شده بود، اما یحیی اجازه ازدواج آن دو را نداد. جعفر، به ناچار فاطمه را از خدمت خویش مرخص کرد و برای او خانه‌ای در مجاورت دروازه انبار خرید و زندگانی او را تأمین می‌کرد. به لطف حمایت‌های جعفر، غریب به خوبی تربیت و آموزش یافت. صرف و نحو، موسیقی، خوانندگی و خوشنویسی را آموخت و در بغداد مورد توجه عموم قرار گرفت. از نظر اسحاق موصلی او خواننده ای بی‌همتا بود. غریب، محبوب مأمون عباسی (۱۹۶-۲۱۸ ق) بود تا جایی که به مامونیه معروف شد (بووا، ۱۳۵۹: ۱۰۱).

از دیگر موسیقیدانان زن مورد حمایت جعفر، فریده کبری (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۱۲/۱۰۴) است که در خاندان ربیع پرورش یافت و موسیقی آموخت. سپس نزد برمکیان خصوصاً جعفر تقرب یافت و مورد حمایت او بود. وی پس از برمکیان به خاطر تعهد فراوان به این خاندان، از دربار هارون فرار کرد و سپس در زمان امین عباسی (۱۹۳-۱۹۶ ق) دوباره به دربار برگشت تا اینکه کشته شد. به برکت تشویق و حمایت برمکیان در عصر طلایی، ابراهیم موصلی برجسته‌ترین موسیقیدان زمان، به همراه فرزند خود اسحاق، مدرسه موسیقی خاص خودش را تشکیل داد که دختران خواننده در آن تحصیل می‌کردند و آموزش موسیقی می‌دیدند. برای این زنان خواننده، قیمت‌های بسیار سنگینی تعیین می‌شد؛ زیرا آن‌ها نه تنها خوانندگان و نوازندگان ماهری محسوب می‌شدند، بلکه در سایر رشته‌های فرهنگ و ادب نیز تبحر می‌یافتند (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴: ۲/۱۹۸).

۲-۳. حمایت برمکیان از شاگردان ابراهیم موصلی

ابراهیم موصلی با حمایتی که از برمکیان دریافت میکرد توانست شاگردان مشهوری چون اسحاق موصلی، زلزَل^۱، مُخارق، علویّه^۲ ابن سلّام و محمد بن الحارث تربیت کند (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۶/۶۶). جعفر بن یحیی برمکی، علاوه بر ابراهیم، خوانندگانی مانند معبد، مخارق و ابوصدقه (همان، ۴/۱۰۱) را وارد دربار نمود و آنان از حمایت ویژه‌ی وی برخوردار بودند.

پشتیبانی و حمایت برمکیان از اسحاق موصلی (م ۲۲۵ هـ) نیز کمتر از پدرش ابراهیم نبود. وی در سال ۱۵۰ هـ در بغداد به دنیا آمد. مقدمات موسیقی را نزد پدرش فرا گرفت. اسحاق علاوه بر موسیقی در علوم دیگر به ویژه فلسفه یونانی سرآمد روزگار خویش بود. او نیز مانند پدر رامشگری دربار خلفا را بر عهده داشت. تمامی شخصیت‌های برمکیان، از این موسیقیدان با تمام وجود حمایت می‌کردند و ثروت‌های فسانه‌ای و بی‌سابقه‌ای را نثار اسحاق کردند تا آنجا که ثروت و شهرت وی، حتی از پدرش ابراهیم هم، سبقت گرفت. اسحاق همیشه قدردان محبت بیش از حد برامکه بود. روزی علویه از خوانندگان محبوب فضل بن ربیع، او را به علت این عشق ملامت کرد. جواب اسحاق به خوبی کرامات خاندان برامکه را نشان می‌دهد. اسحاق در جواب علویه با چشمانی اشک بار اظهار می‌کند من جوان بودم و در خانه پدرم زندگی می‌کردم و پیوسته با او درگیر بودم. تا اینکه پدر مرا به خانه ای اجاره ای منتقل کرد. همیشه از نداشتن بهای اجاره و از رسوایی در ترس وحشت به سر می‌بردم. تا اینکه تصمیم گرفتم به دربار رفته و هنر خود را به وزیرای برمکی عرضه کنم، شاید گره از کارم باز شود. هنگامی که در مقابل یحیی برمکی قرار گرفتم آواز خود را خواندم درحالی که حالی پریشان داشتم او سبب این حالم را جويا شد و من همه آنچه بر من گذشته بود را برای او بازگو کردم. یحیی مدتی اندیشید و سپس چهار نامه نوشت و آن‌ها را به خدمتکاران خود داد. من خوشحال از آنکه آن‌ها حواله صلات من است منتظر ماندم اما خبری نشد. تا اینکه، غلام یحیی مرا به بیرون راهنمایی کرد و پرسید الاغت کجاست؟ گفتم من الاغی ندارم! سواری برای من آوردند و خانه یحیی خارج شدیم. غلام پرسید کجا می‌روی؟ گفتم: به خانه خودم. گفت: به خدا قسم که یحیی خانه مجاور و تمام املاک متصل به آن را برای تو خریده است. هم‌اکنون وکیل او منتظر است که سند آن را امضا کنی. با خوشحالی وارد خانه شدم. پیشکار یحیی هر چهار نامه را برای من خواند. در نامه اول دستور داده

^۱ - منصور زلزَل از معروفترین موسیقیدانان ایرانی الاصل دربار خلفای عباسی است. خواهر او همسر ابراهیم موصلی بود؛ وی موسیقی را از ابراهیم فراگرفت و از بزرگترین بربط و عود نوازان دوران خود شد. منصور همیشه در کارهای خیر و کمک به بینوایان در زمان خویش پیشقدم بود. چاهی که او حفر کرده و آن را وقف مردم کرده بود بنام «برکه الزلزَل» قرن‌ها در بغداد باقی بود. (لسترنج، ۱۳۹۳، ۶۲).

^۲ - ابوالحسن علی بن عبدالله بن سیف از موالی خاندان بنی امیه، اهل مدینه و نوه سیاط موسیقیدان معروف و از رامشگران دربار خلفای عباسی بود. علویه از جمله کسانی است که موسیقی ایرانی را وارد موسیقی عرب کرد. وی در زمان متوکل عباسی در گذشت. (ابن عبدربه، ۱۴۰۴، ۳/۱۸۸).

بود «صد هزار درهم در وجه ابا محمد صادر شود تا او بتواند با آن خانه مسکونی و املاک مجاور آن را برای خود بخرد». نامه دوم به پسرش فضل نوشته شده بود که «من صد هزار درهم به ابا محمد دادم تا خانه مسکونی خریداری کند توهم برابر همین مبلغ به او اعطا کن تا این خانه را هر طور که می‌خواهد مرمت کند.» نامه سوم به جعفر نوشته شده بود به این مضمون: «همین مقدار به او بده تا برای خانه خود اثاثیه بخرد» و نامه چهارم به پسر دیگرش محمد بود که در آن ذکر شده بود: «تو نیز صد هزار درهم به او بده تا صرف هزینه‌های دیگر کند.» سپس پیشکار یحیی، همه آن پول‌ها را به من داد و رفت. به خدا قسم که هیچ‌کس حق ندارد مرا به خاطر عشقی که به یحیی و برامکه دارم ملامت کند. (نعمان، ۲۰۰۶: ۲۴۱).

اسحاق در سایه حمایت بی‌حدوخصر خاندان برمکیان به عنوان یک نظریه‌پرداز توانست از میزان تناقضات میان تئوری و عمل در هنر موسیقی بکاهد و آن را به نظام تعریف شده و معینی درآورد و موسیقی علمی عربی را استوار کند. وی بزرگ‌ترین کتابخانه بغداد را در اختیار داشت که از لحاظ لغت‌نامه و فرهنگ‌های عربی بسیار غنی بوده است. (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۵/ ۱۳۱). نگارش دست‌کم چهل کتاب را در شعر و موسیقی به او نسبت می‌دهند که مهم‌ترین تألیف‌ها او در موسیقی عبارت‌اند از: کتاب آوازه‌ها، عزه المیلاه، داستان‌های طویس، کتاب الرقص و الزفن، کتاب النغم و الايقاع، کتاب آوازه‌های معبدو ... (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۱۴۱-۱۴۳). آخرین لحظات زندگانی جعفر برمکی هم با موسیقی همراه بود. به گفته مورخان، ابوزکار کلوزانی، نغمه‌گر نابینا در مجلس جعفر مشغول نواختن و خواندن بود و کنیزکان از پشت پرده به ساز و آواز نشسته بودند که مسرور خادم به امر خلیفه با خشونت جعفر را از این محفل به سمت قتلگاهش بردند. (طبری، ۱۳۸۷: ۸/ ۲۵۹؛ مسعودی، ۱۴۰۴: ۳/ ۳۷۸). از میان خاندان برمکیان، ابوالحسن احمد بن جعفر بن موسی بن یحیی بن خالد برمکی (۲۲۴-۳۲۴) معروف به جحظ استاد موسیقی و شاعر و ادیب مشهوری است که به عنوان موسیقیدان در دربار خلفای عباسی مدت زیادی خدمت کرده است. ابوالفرج کتابی به نام «اخبارالجحظه البرمکه» در شرح و احوال او تألیف کرده است. (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۵/ ۱۶۱-۱۶۴). از دیگر موسیقی دانان مورد حمایت فضل، مخارق (همان، ۷۹/۱) یا ابوالمهنا، غلام عاتکه بنت شذا یکی از معروف‌ترین دختران خواننده آن روزها بود. مخارق نخستین درس‌های موسیقی را از بانوی خود آموخته بود و پس از مدتی، او را برای فضل برمکی خریداری کردند. به سبب استعداد بی‌نظیرش در موسیقی، ابراهیم او را به شاگردی پذیرفت و دیری نگذشت در سایه حمایت فضل، به یکی از خوانندگان محبوب دربار هارون، تبدیل شد. مخارق در یکی از اجراهای زیبایش نزد هارون، یک صد هزار سکه طلا جایزه گرفت. بعدها، خلیفه هارون، او را آزاد کرد و مقامش تا آنجا بالا گرفت که جایگاه جلوس او کنار خلیفه بود. وی تا دوران امین همچنان از موسیقیدانان معروف و محبوب دربار خلفای عباسی محسوب می‌شد. ابراهیم

بن مهدی که از دوستداران موسیقی (به ویژه موسیقی ایرانی) و نیز از موسیقیدانان برجسته عصر محسوب می‌شد با جعفر رابطه ای دوستانه داشت و همواره او را می‌ستود (همان، ۳۰۲/۱۰).

۳. ابوالعباس فضل بن ربیع (۱۳۸-۲۰۸ ق) وزیر هنر دوست عباسی

نهضت ترجمه کتاب از یونانی و سریانی و پهلوی تأثیر چشمگیری در رشد علوم مختلف و همچنین موسیقی داشت. در بغداد مدرسه بیت‌الحکمه بسیاری از مترجمان بزرگ را در این مرکز به تحقیق و ترجمه متون یونانی و سریانی در علوم مختلف، از جمله موسیقی گماشت؛ امری که تا حدی از زمان خلافت منصور آغاز شده بود (ر.ک. فارمر، ۱۳۶۷: ۲۰۰). به تبعیت از خلیفه، وزرای این دوره هم در حمایت از موسیقی و موسیقیدانان از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند. فضل بن ربیع در تشویق و حمایت مغنیان دنباله‌رو برمکیان بود. وی نخستین کسی است که ابراهیم موصلی را کشف و استعداد بی‌نظیر او در موسیقی را به خلفای عباسی شناساند. (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۸۷/۶). به گفته ابراهیم، فضل او را نزد یکی از بزرگان بغداد به نام «علی بن سلیمان» یافت و سپس به دربار مهدی خلیفه عباسی راه یافت. بسیاری از مجالس بزم موسیقیدانان، در منزل شخصی فضل برگزار می‌شد و برجسته‌ترین خوانندگان و شاعران را به آن دعوت می‌شدند. فلیح بن عورا از جمله آنان بود، او حتی در آخرین شب زندگی خویش به این مجلس دعوت شد درحالی‌که بیمار و در ملحفه ای پیچیده شده بود. هارون بن ملح از مغنیان دعوت شده به این مجلس نقل می‌کند: «او را به مجلس آوردند مدتی با ما به سخن پرداخت و بعد آواز خوانی را شروع کرد. همه ما از آن آواز خوشمان آمد و به تقاضای ما، چند بار آن را تکرار کرد؛ و بعد از مدتی برخاست و به منزل رفت؛ اما، در همان شب به علت بیماری‌ای که داشت، درگذشت و این آخرین دیدار او با دوستانش بود.» (همان، ۳۷۲/۱۲). مجالس خانگی فضل، فقط جهت سرگرمی و بزم نبود، بلکه مدرسه موسیقی برای هر یک از خوانندگان و موسیقیدانان محسوب می‌شد که در آن علاوه عیش و طرب نکته‌های جدید می‌آموختند. فضل بن ربیع در ایام مأمون مخارق و علویه را به خانه خویش دعوت کرد. نامه‌ای نوشت و از اسحاق نیز خواست که به جمع آن‌ها بیوندد. علویه دو بیت را در لحنی که سیاط ساخته بود خواند. اسحاق وقتی این آواز را شنید به علویه گفت: ای ابالحسن در ادای آواز اشتباه کردی و اینک من آن را برای تو درست می‌کنم. این سخن علویه را سخت خشمگین کرد. اسحاق که متوجه ناراحتی او شده بود، گفت: «ای دوست عزیز من با این یادآوری نخواستم مقام تو را تنزل دهم، بلکه خواستم آواز تو را اصلاح کنم، زیرا تو صحیح یا ناصحیح به شاگردی من و پدرم منسوبی! اگر از انتقاد من مکدر شدی، بعد از این اظهار نظر نمی‌کنم و مثل دیگران می‌گویم احسنت!» (نعمان، ۲۰۰۶: ۲۳۸). هنرمندان در این مجالس برپا شده در خانه فضل گرد هم جمع می‌شدند و سعی می‌کردند برتری خود را نسبت به رقیبان خود، به فضل نشان دهند.

اسحاق بیان می‌کند: روزی من، یحیی مکی^۱، ابن جامع^۲، فلیح و زبیر بن دحمان^۳ نزد فضل بن ربیع بودیم، در آن مجلس زبیر با یحیی به معارضه پرداخت. هردو آواز می‌خواندند و هر یک می‌خواست دیگری را مغلوب کند. این وضع موجب اعجاز فضل شده بود. فضل نسبت به یحیی تعصب خاصی داشت و صدای او را بسیار می‌پسندید. این مقابله به طول انجامید و زبیر به یحیی گفت: تو همانی که مدعی ساختن آواز دیگران می‌شوی و آثار سایر استادان را به خود نسبت می‌دهی و اثر یک هنرمند را، به هنرمند دیگر منسوب می‌کنی. فضل که این سخن را شنید از من خواست میان آن دو داوری کنم. من گفتم: اگر آنچه را یحیی می‌خواند و روایت می‌کند از خودش نباشد، در عوض چیزهایی را روایت می‌کند که دیگران هرگز آن‌ها را روایت نکرده‌اند؛ و اگر از خودش باشد که، باید بپذیریم از همه استادان موسیقی بالاتر است. او آوازها را بسیار صحیح ادا می‌کند چه فرقی می‌کند از خودش باشد یا دیگری. پیروزی یحیی مکی در این معارضه باعث شادی فضل شد. (نعمان، ۲۰۰۶: ۲۴۵). فضل علاوه بر رسیدگی‌های مالی به صورت معنوی نیز از هنرمندان محبوب خود حمایت می‌کرد. از اسحاق موصلی نقل کرده‌اند که، بسیار دوست داشتم محدث بزرگ، سفیان بن عیینه (۱۹۸ق)، مرا به شاگردی خود بپذیرد، اما او هرگز خواسته‌ام را نپذیرفت. تا اینکه روزی او را در خانه فضل بن ربیع دیدم؛ فرصت را غنیمت شمرده از فضل خواهش کردم تا مرا به سفیان معرفی کند و اجازه دهد برای سماع حدیث در محضرش حاضر شوم. با توصیه فضل، سفیان مرا به محضر خود پذیرفت و روزانه پانزده حدیث با سند معتبر، به من آموخت. (اصفهانی، ۱۹۶۳: ج ۷، ۴۶). پس از هارون الرشید در روزگار مامون همچنان به موسیقی توجه می‌شد؛ فضل بن سهل (۲۰۲ق) وزیر مامون و برادرش حسن نیز مانند وزرای ایرانی اسلاف خود، دوستدار موسیقی و شعر بودند. اسحاق، مخارق و علویه (نعمان، ۲۰۰۶: ۲۴۲) از موسیقیدانان‌های مورد حمایت آنان بودند که به دربار مأمون رفت و آمد داشتند (عابدین، ۱۴۲۵: ۱۸). در سایه حمایت وزراء مقارن همین دوره تئورسین بزرگ موسیقی اسلامی کندی که از معتزلیان بود، ظهور کرد که بسیاری از کتب موسیقی را از یونانی به عربی ترجمه کرده و در اختیار علاقه‌مندان قرار داد؛ خود نیز کتاب‌هایی از جمله: کتاب رساله الکبری فی التالیف (رساله اعظم در تصنیف)، رساله فی ترتیب النغم، رساله فی الایقاع، رساله فی مدخل الی صناعه الموسیقی، مختصر الموسیقی فی تالیف النغم و صنعه العود را، در حوزه تئوری موسیقی تألیف کرده است (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۴۶۷).

^۱ - یحیی مکی یا ابوعثمان بن مزروق المکی از موالی بنی امیه و استاد موسیقیدانان بزرگی چون ابراهیم موصلی، ابن جامع و فلیح بود. وی از زمان المهدی تا زمان مامون در دربار خلفا حضور داشت. کتاب فی الاغانی او مجموعه ای کامل موسیقی مورد استفاده قرار می‌گرفته است (اصفهانی، ۱۹۶۳، م، ۱۶/۶-۲۴).

^۲ - ابوالقاسم اسماعیل بن جامع، نخستین آموزه‌های موسیقی را از ناپدری اش سیاط معروف فراگرفت. وی از زمان خلیفه هادی عباسی تا زمان هارون الرشید از نوازندگان تمام عیار و توانای دربار عباسی بود. (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴ق، ۳/۱۷۹).

^۳ - زبیر بن دحمان از موالی بنولیت و زاده مکه بود. وی از موسیقیدانان بزرگ دروۀ هارون و از طرفداران موسیقی ایرانی به حساب می‌آمد. (اصفهانی، ۱۹۶۳، ۱۳/۷۳۷۸).

جدول شماره ۱: وزراء و موسیقی، ماخذ نگارندگان.

نام وزیر	موسیقیدان	خدمات وزیر
۱- یحیی برمکی	ابراهیم موصلی	حمایت فراوان مالی - خرید باغ و زمین برای او - تعیین مقرری ماهیانه
	دنابیر	مقرری ماهیانه - فراهم کردن تعلیم و آموزش موسیقی
۲- جعفر برمکی	ابراهیم موصلی	حمایت مالی از او - بیشترین دارایی خود را مدیون فضل بود - فراهم کردن امکانات برای تأسیس مدرسه موسیقی
	مخارق یا ابوالمهنا	حمایت مالی
	فلیح بن عورا	حمایت مالی
	هارون بن ملح	حمایت مالی
	علویه	حمایت مالی
	ابن جامی	حمایت مالی
	عریب	مقرری ماهیانه - تعلیم و تربیت او
	فریده کبری	مقرری ماهیانه
	ابوز کار کلوذانی	کمک‌های مالی
	ابراهیم و اسحاق موصلی	کمک‌های بی حد مالی به هر دوی آن‌ها.
۳- فضل برمکی	فلیح بن عورا	حمایت مالی
	مخارق	حمایت مالی
	علویه	حمایت مالی
	هارون بن ملح	حمایت مالی
	علویه	حمایت مالی
۴- فضل بن ربیع	مخارق	حمایت مالی
	علویه	حمایت مالی
	ابراهیم موصلی	معرفی او به دربار عباسی برای اولین بار توسط او صورت گرفت - حمایت‌های مالی و معنوی
	اسحاق موصلی	حمایت و کمک‌های مالی و معنوی

نتیجه‌گیری

در سایه حمایت وزیران مشهور هارون الرشید: خاندان برمکیان و فضل بن ربیع هنر موسیقی رشد قابل ملاحظه‌ای نمود. ورود برمکیان در منصب وزارت و مناصب مهم دولتی موجب شد با حمایت و تشویق این خاندان در عصر طلایی عباسی، هنرمندان با ایجاد مدارس موسیقی خدمات ارزنده‌ای را به پیشرفت این هنر در مبانی نظری و عملی نمایند. ابراهیم موصلی برجسته‌ترین موسیقیدان زمان، به همراه فرزند خود اسحاق، مدرسه موسیقی خاص خودش را تشکیل داد و دختران نوازنده و خواننده در آن تحصیل می‌کردند و آموزش موسیقی می‌دیدند. کتاب‌های مبانی موسیقی در این دوره از یونانی به

عربی ترجمه شد و در اختیار علاقه‌مندان هنر موسیقی قرار گرفت. خاندان برمکیان با برگزاری مجالس بزم و غنا و موسیقی در سرای خود و دادن صله‌های فراوان به خوانندگان و نوازندگان نقش پررنگی در زنده نگه‌داشتن هنر موسیقی در عصر عباسی ایفا نمودند همچنین بسیاری از کنیزان خریداری شده و با استعداد تحت نظارت ایشان به فراگیری نوازندگی و موسیقی می‌پرداختند و سپس این کنیزکان تربیت‌شده به دربار و خانه اشراف راه پیدا کرده و به عرضه هنر خویش می‌پرداختند. این‌گونه اقدامات برمکیان موجب رواج موسیقی و علاقه به آن در نزد عامه مردم شد. آثاری در زمینه موسیقی خلق و کتابهایی نوشته شد. در همین زمان تأثیر اندیشه‌های معتزلی و واکنش مداراجویانه با موسیقی و غنا و تماس نزدیک خلیفه و وزیر با فقها این امکان را به خاندان هنر دوست برمکی می‌داد که راه و روش خود را در امور هنری به ویژه موسیقی باز کرده و توسعه دهند. در دوره بعد فضل بن ربیع در جهت حمایت از هنر موسیقی تلاش‌های فراوانی کرد. بسیاری از مجالس بزم موسیقیدانان در منزل شخصی فضل برگزار می‌شد و برجسته‌ترین خوانندگان و شاعران برای عرضه هنر خویش بدان جا دعوت می‌شدند. این‌گونه مجالس به مانند مدرسه موسیقی برای هر یک از خوانندگان و موسیقیدانان محسوب می‌شد که در آن علاوه بر عیش و طرب نکته‌های جدید هنری را نیز می‌آموختند.



کتابنامه :

- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبائی (۱۳۵۰). **تاریخ فخری**، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب: تهران.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱ش). **الفهرست**، تحقیق محمدرضا تجدد، نشر اساطیر: تهران.
- بارتولدا، و.و (۱۳۸۵). **خلیفه و سلطان**، ترجمه سیروس ایزدی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- بووا، لوسین (۱۳۵۳ش). برمکیان بنا بر روایات مورخین عرب و ایرانی، ترجمه عبدالحسین میکده، بنگاه نشر و ترجمه کتاب: تهران.
- حافظ زاده، محمد (۱۳۸۱ش). تاریخ هنر موسیقی از غارها تا تالارها، انتشارات عمیدی: تبریز.
- رابرتسون، الک، استیونس، دنیس (۱۳۶۹ش). تاریخ جامع موسیقی، ترجمه بهزاد باشی، نشر آگاه: تهران.
- سجادی، صادق (۱۳۸۵). تاریخ برمکیان، نشر موقوفات دکتر افشار: تهران.
- طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۳ش). دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: قم.
- فارمر، هنری جورج (۱۳۶۷ش). تاریخ موسیقی خاور زمین، ترجمه بهزاد باشی، نشر آگاه: تهران.
- کانپوری، محمد عبدالرزاق (۱۳۴۸ش). برمکیان، ترجمه مصطفی طباطبائی، کتابخانه سنائی: تهران.
- گردیزی، عبدالحی (۱۳۶۳). زین الاخبار، تحقیق عبدالحی حبیبی، دنیای کتاب: تهران.
- لسترینج، گای (۱۳۹۳ش). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی: تهران.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۴ق). مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، الهجره: قم.
- نخجوانی، هندوشاه (۱۳۴۴ش). تجارب السلف در تواریخ خلفا وزرای ایشان، مصحح عباس اقبال آشتیانی، نشر طهوری: تهران.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵ق). **الکامل فی التاریخ**، دار صادر: بیروت.
- ابن الابار، محمد بن عبدالله (۱۹۶۱م). **اعتاب الکتاب**، مجمع اللغة العربیه: دمشق.
- ابن خلکان، شمس‌الدین احمد بن محمد (۱۹۶۸م). **وفیات الاعیان**، دارصادر: بیروت.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبائی (۱۹۹۷م). **تاریخ فخری**، فی الاداب السلطانیه و الدول الاسلامیه، دارالقلم العربیه: حلب.
- ابن عبد ربه، احمد بن محمد (۱۴۰۴ق). **العقد الفرید**، دارالکتب العلمیه: بیروت.
- ابن عبری، قریقوریوس بن اهرن (۱۹۹۴م). **تاریخ مختصرالدول**، تحقیق انتون صالحانی یاسوی، دارالشرق بیروت: بیروت.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۹۶۳م). **الاغانی**، دارکتب: قاهره.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۱۴م). **التاج فی اخلاق الملوک**، تحقیق احمد زکی پاشا، الطبعة الامیریة: قاهره.
- نعمان، رشید (۲۰۰۶). اسحاق بن ابراهیم الموصلی عالم الموسیقی والغناء فی العصر العباسی، دارالعربیة للموسوعات: بیروت.

- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمان (١٩٥٩م). تاريخ الخلفاء، تحقيقه محى الدين عبدالحميد، مطبه السعاده: مصر.
- طبرى، محمد بن جرير (١٣٨٧ش). تاريخ الرسل و الملوك، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، دارالتراث: بيروت.
- عابدين، سامى (١٤٢٥ق). الغناء فى قصر الخليفه المأمون و اثره على العصر العباسى، دارالحروف العربى: بيروت.
- نويرى، احمد بن عبدالوهاب (١٩٧٥م). نهايه الأرب فى فنون الأدب، وزارة الثقافه و الإرشاد القومى. المؤسسة المصرىة العامة: قاهره.



The role of the Iranian ministers in the flourishing music art in Abbasids ministers

Zivar Ahmadzadeh, Tahereh Azimzadeh, Ardeshir Asadbeigi,
Mohammad Baghestani Koozehgar

The tendency towards a variety of arts among caliphs, ministers and various classes of society has increased with the relief of Muslims from the conquests and the improvement of the power and wealth of the Islamic community. This study is a descriptive-analytic study using existing research in this field, the role of ministers of the first and second eras of Abbasid was studied in the development and evolution of music art. The results showed that one of the most important factors of progress in the art of music in the Abbasid era are the presence of Iranian ministers in the court, which, supported by their rich culture and civilization, have been struggling to protect the musicians. According to the circumstances of the Abbasid first era, such as political and economic stability, the interest and support of caliphs and ministers of music and musicians, It can be concluded that this ministers with their economic and political support of artists have played an effective role in the development and evolution of music.

.Keywords: Abbasids, ministers, art of music, musicians

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی